



٦ «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي مَعَانِي الْأَخْبَارِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ جَرِيرٍ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سُنِلَ عَنِ الشَّطْرَنْجِ وَالتَّرْدِ فَقَالَ لَا تَقْرُبُوهُمَا قُلْتُ فَأَلْغِنَاءُ قَالَ لَا خَيْرَ فِيهِ لَا تَقْرُبُهُ الْحَدِيثُ.»<sup>١</sup>

ما می گوئیم:

١. استدلال به روایت به آن است که نزدیک شدن را مطلقاً نفی کرده است که یا جمیع تصرفات را شامل می شود و یا به منفعت غالبه راجع است که «استماع» باشد.
٢. ابی ربیع شامی را برخی تضعیف کرده اند ولی با توجه به این که عبدالله بن مسکان و خالد بن جریر کتاب او را نقل کرده اند، می توان او را توثیق کرد.
٣. تعبیر «لا تقربه» با کراهت سازگار است، چراکه اگر به هیأت نهی دال بر حرمت است ولی ماده «نزدیک شدن» می تواند نهی را کراهتی کند و یا بگوئیم «نهی مقدمی» است. یعنی نزدیک نشوید تا در حرام نیافتید.

### جمع بندی دسته چهارم:

در میان روایت ها تنها روایت ٦، قابلیت استدلال دارد ولی از آن هم تنها حرمت مقدمی قابل استفاده است. البته حرمت مقدمی «نزدیک شدن» به معنی حرمت نفسی «ما یقرب الیه» است که همان غنا باشد (مخصوصاً که در برخی از نسخه ها هم تعبیر «لا تفعلوا» دارد، که البته با سماع سازگار نیست و مربوط به ایجاد است)<sup>٢</sup> اما ممکن است این روایت را بتوان بر غنای متعارف در آن روزگار حمل کرد و «ال» آن را «عهد ذهنی» یا «عهد خارجی» به حساب آوریم. چنانکه در جمع بین این روایت و روایات دیگر می توان استفاده کرد. شاهد بر این مطلب روایت چهارم است.

١. وسائل الشیعه، ج ١٧، ص ٣٢٠

٢. الخصال، ص ٢٥١.



## نکته:

شاهد بر اینکه اصل غنا با مشکل مواجه نبوده است و آنچه حرام بوده است مجالس غنا است، روایاتی که دلالت بر قرائت قرآن به الحان عرب دارد:

۱. «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْأَحْمَرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص اقْرَأُوا الْقُرْآنَ بِالْحَانَ الْعَرَبِ وَأَصْوَاتِهَا وَإِيَّاكُمْ وَلُحُونِ أَهْلِ الْفِسْقِ وَأَهْلِ الْكِبَائِرِ فَإِنَّهُ سَيَجِيءُ مِنْ بَعْدِي أَقْوَامٌ يُرْجِعُونَ الْقُرْآنَ تَرْجِيعَ الْغِنَاءِ وَالنَّوْحِ وَالرَّهْبَانِيَّةِ لَأَ يَجُوزَ تَرَاقِيهِمْ قُلُوبُهُمْ مَقْلُوبَةً وَقُلُوبٌ مَنْ يُعْجِبُهُ شَأْنُهُمْ»<sup>۱</sup>

## ما می گوئیم:

۱- تراقیهم: از استخوان ترقوه بالاتر نمی رود.

۲- این روایت دو حکم را ثابت می کند یکی اینکه «لحن عرب» در مورد قرآن لازم است (به نحو استحباب) و دیگر اینکه در قرآن نباید از الحان فوق یا لحن خوانندگان انجیل و یا لحن عزاداری ها استفاده کرد.

۳- لحن چنانکه صحاح مورد اشاره قرار داده است، همان تعریف غنا را دارد «قد لحن فی قرائته: اذا طرَّبَ بها و غرِّدَ (بند کردن صوت در غنا) و هو الحن الناس: اذا كان احسنهم قرائةً و غناءً»<sup>۲</sup>  
پس معلوم می شود غنا در قرآن اگر به نحو آوازه‌های مبتذل یا نوحه ای و یا رهبانی نباشد، نه تنها مذموم نیست بلکه پسندیده است.

۲. «وَعَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّوْفَلِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: ذَكَرْتُ الصَّوْتِ عِنْدَهُ فَقَالَ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ع كَانَ يَقْرَأُ قَرُبَمَا مَرَّةً بِهِ الْمَارُ فَصَعِقَ مِنْ حُسْنِ صَوْتِهِ الْحَدِيثِ»<sup>۳</sup>

ما می گوئیم: اگر گفتیم غنا، صوت مطرب است که باعث خفت می شده است «بی هوشی از حسن

۱. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۱۰

۲. صحاح، ج ۶، ص ۲۱۹۳

۳. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۱۱



صوت» از اظهار مصادیق آن است.

۳. «وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ إِذَا قَرَأْتُ الْقُرْآنَ فَرَفَعْتُ صَوْتِي جَاءَنِي الشَّيْطَانُ فَقَالَ إِنَّمَا تُرَائِي بِهَذَا أَهْلَكَ وَالنَّاسَ قَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ اقْرَأْ قِرَاءَةً مَا بَيْنَ الْقِرَاءَتَيْنِ تُسْمِعُ أَهْلَكَ وَرَجِعُ بِالْقُرْآنِ صَوْتِكَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الصَّوْتَ الْحَسَنَ يُرْجِعُ فِيهِ تَرْجِيعاً.»<sup>۱</sup>

توضیح:

به حضرت گفت وقتی قرآن می خوانم و صدا را بالا می برم شیطان می آید و می گوید: با این کار برای خانواده ات و مردم ریا می کنی؛ حضرت فرمود: به قرائت معقول بخوان (نه خیلی کوتاه و نه خیلی بلند) به اندازه ای که اهل تو بشنوند و...

ترجیع مشخصاً از صفات غنا می باشد.

**ما می گوئیم:** مرحوم صاحب وسائل چون روایت را دال بر جواز غنا یافته است آن را حمل بر تقیه کرده است. درحالیکه اولاً نظر اهل سنت همانند شیعه بوده است و احتمال تقیه نمی رفته آن هم درباره ابوبصیر، و ثانیاً با توجه به معنایی که ما از غنای محرم کردیم، به چنین حملی احتیاج نیست.

۴. «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي عِيُونِ الْأَخْبَارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو الْجَعَابِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الرُّضَاعِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص حَسِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ فَإِنَّ الصَّوْتَ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حُسْنًا.»<sup>۲</sup>

۵. «وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ الْبُغْدَادِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَنبَسَةَ عَنْ دَارِمِ بْنِ قَبِيصَةَ عَنِ الرُّضَا عَنْ آبَائِهِ عِمْثَلَهُ وَزَادَ وَقَرَأَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ.»<sup>۳</sup>

۱. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۱۱

۲. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۱۲

۳. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۱۲

